

The main purpose of this study is to explain the cultural components of Islamic

Abstract

The Prophet's biography has long been considered by Muslim writers in terms of theoretical and practical importance. Undoubtedly, correct and successful research in this regard requires that all available sources and narrations be considered and critiqued. Although the book Safina al-Bahar is one of the later sources, it is more important for cataloging the book Bihar al-Anwar and collecting scattered narrations from various Shiite sources.

The main purpose of this study is to explain the cultural components of Islamic civilization based on the book Safineh Al-Bahar. Therefore, an attempt is made to study and explain the approach of the Ship of the Sea as a Shiite source to the components of Islamic civilization.

Considering that the basis of the book Safina al-Bahar is based on the knowledge of hadith and the works of the Ahl al-Bayt of infallibility and purity; The theoretical framework of biography research and documentary-library method along with filing tools have been used for writing.

Keywords: Islamic civilization, culture, spaceship, re-creation

بازآفرینی مؤلفه های فرهنگی تمدن اسلامی براساس کتاب سفینه البحارناهید حبیبی^۱

تاریخ دریافت: ۱۹/۱۰/۱۴۰۰

ذبیح زاده روشن علی نقی^۲

تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۶/۱۴۰۱

محمد دشتی^۳**چکیده:**

سیره نبوی(ص) به لحاظ اهمیت نظری و عملی از دیرباز مورد توجه نویسندگان مسلمان بوده است. بی شک تحقیق صحیح و موفق در این باب می طلبد که کلیه منابع و روایات موجود مورد نظر و نقد و بررسی قرار گیرند. کتاب سفینه البحار گرچه از منابع متأخر به شمار می رود، ولی به جهت فهرست بندی کتاب بحار الانوار و گردآوری روایات پراکنده منابع متعدد شیعی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

هدف اصلی این پژوهش تبیین مؤلفه های فرهنگی تمدن اسلامی بر اساس کتاب سفینه البحار است. لذا تلاش می شود که رویکرد سفینه البحار به عنوان یک منبع شیعی نسبت به مؤلفه های تمدن اسلامی مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.

با توجه به اینکه مبنای کتاب سفینه البحار بر علم حدیث و آثار اهل بیت عصمت و طهارت قرار گرفته است؛ از چارچوب نظری سیره پژوهی و روش اسنادی- کتابخانه ای همراه با ابزار فیش برداری برای نگارش استفاده شده است.

کلیدواژگان: تمدن اسلامی، فرهنگ، سفینه البحار، بازآفرینی

^۱ رشته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

^۲ واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) عضو هیئت علمی zabihzade@gmail.com

^۳ عضو هیئت علمی جامعه المصطفی، مجتمع امین، قم، ایران.

بازشناسی عوامل و شرایط تکوین تمدنی با نگاه به سیره و روایات معصومین و بر اساس کتب و مجامع حدیثی تألیف شده توسط علما و بزرگان اسلامی، ضرورتی است که نه تنها سبب شناسایی اصول و مبانی تمدن سازی دینی می‌شود، بلکه می‌تواند مبنایی برای طراحی الگوی توسعه‌ی دینی در جامعه‌ی مدرن و پست‌مدرن کنونی باشد؛ جامعه‌ای که با چالش‌های معرفتی، هویتی و مدیریتی گوناگونی مواجه است. با نگاهی به روند فراز و فرود تمدن اسلامی در طول تاریخ و چالش‌ها و خطراتی که با آن مواجه بوده است، شاید بتوان گفت هیچ زمانی به اندازه شرایط کنونی شاهد پویایی و رشد اسلام در عرصه‌های مختلف نبوده‌ایم. فرهنگ و تمدن اسلامی در دوره‌های مختلف، همواره تحت تأثیر دین، مخصوصاً قرآن و روایات اهل بیت بوده است و آثار آن بر تعلیم و تربیت، فرهنگ و تمدن هویدا بوده است (بهمنی، ۱۳۹۴).

با این تعریف به طور اجمال می‌توان گفت که این پژوهش در نظر دارد به بازآفرینی مؤلفه‌های فرهنگی تمدن اسلامی تأثیرپذیر از سیره و روایات اهل بیت در کتاب شریف سفینه البحار شیخ عباس قمی بپردازد.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق:

نگریستن به مولفه‌های تمدن اسلامی و بازآفرینی آن مؤلفه‌ها بر اساس کتاب سفینه البحار، و بخصوص مطالعات گسترده تر در این حوزه و خصوصاً تاریخ فرهنگی، دینی و اجتماعی شیعه همگی اهمیت و ضرورت انتخاب این عنوان را نشان می‌دهند. افزون بر این، اهمیت و ضرورت پرداختن به چنین نوشتاری، لزوم تبیین الگوهای تمدنی با رویکردی اسلامی برای جوامع اسلامی است که برای پاسخ به سوالات این پژوهش و تعیین مولفه‌ها لازم است نخست به کتاب سفینه البحار مراجعه و آنگاه برای بازآفرینی آنها از سایر کتب، روایات و مجامع حدیثی گوناگونی استفاده می‌نمایم. سیره و روایات نبوی و امامان بزرگوار چراغ راه ما در راستای دستیابی تبیین الگوهای تمدن اسلامی و بازشناسی و بازآفرینی مولفه‌ها و شاخص‌های آن باشد.

پیشینه اجمالی تحقیق:

در خصوص بررسی رابطه تمدن اسلامی و مؤلفه‌های آن تحقیقات زیادی انجام گرفته است، اما قرار دادن این دو متغیر مولفه‌های تمدن اسلامی و کتاب سفینه البحار در یک تحقیق کاری است که پژوهش حاضر درصدد انجام آن است.

از آنجا که درباره‌ی تمدن اسلامی، الگو، عناصر و مؤلفه‌های آن به صورت عام، کتاب‌ها و پژوهش‌های متعدد و گوناگونی نوشته شده است، اما بررسی موضوع بر اساس سیره و روایات و با تکیه بر منابع روایی علمای مختلف شیعی نگارش‌های اندک و بسیار محدودی وجود دارد که آن هم در هیچکدام از آنها به صورت خاص به موضوع بازآفرینی این مؤلفه‌ها در کتابی خاص از جمله سفینه البحار پرداخته نشده است و مقالات و پژوهش‌هایی نیز که موجود می‌باشد (و در سوابق پژوهش ذکر شد) تطابق و نزدیکی بسیار اندکی با موضوع پژوهش دارد. پس از بررسی و تتبع کافی در آثار مکتوب مربوط به موضوع این پژوهش در داخل و خارج، متأسفانه اثری در این زمینه بدست نیامد که صد البته نشانه نوآوری در طرح موضوع این پژوهش و نگارش آن می‌باشد. اما صرف نظر از تأکید خاص بر "باز آفرینی مولفه‌های تمدن اسلامی در کتاب سفینه البحار"، برخی آثار به نوسازی، فلسفه و شاخص‌های تمدن اسلام و عناصر و مؤلفه‌های آن به صورت عام پرداخته و

کتاب‌های متعددی نوشته شده است. تاکنون دانشمندان مسلمان پرشماری در زمینه ی تمدن اسلامی سخن گفته و کتاب‌ها و مقاله‌هایی نگاشته‌اند، اما اغلب بر کلیات تکیه نموده و کمتر به نمای واقعی و بخشی تمدن اسلامی و بازآفرینی و نو سازی مولفه های آن پرداخته‌اند. ابن خلدون (۱۳۳۲-۱۴۰۶ م)، سید جمال الدین اسد آبادی، محمد عبده، کواکبی، اقبال لاهوری، سعید نوری ترکیه ای، طه جابر العلوانی عراقی (متولد ۱۹۳۵ میلادی)، ضیاءالدین سردار (متولد ۱۹۵۱) پاکستانی، مالک بن نبی الجزایری (۱۹۷۳-۱۹۰۵)، سید محمد نقیب العطاس مالزیایی، حسن حنفی مصری (متولد ۱۹۳۵)، علامه طباطبایی و ... نقش بسزایی در تبیین خطوط کلی تمدن اسلامی داشته‌اند، اما فقدان الگوهای خرد و کلان تمدنی اسلام در زندگی امروز مسلمان کاملاً محسوس می‌باشد که این همه تأکیدی جدی بر ضرورت مدل سازی تمدنی به طور بخشی و معین (نه کلی) دارد (سلیمی، ۱۳۹۱: ۵)

پرسش اصلی تحقیق:

مولفه های فرهنگی تمدن اسلامی بر اساس کتاب سفینه البحار کدام است؟ و چگونه قابل باز آفرینی می‌باشند؟

فرضیه اصلی:

بر اساس کتاب سفینه البحار بعد فرهنگی انسان بر اساس توحید و ربوبیت الهی و عبودیت انسان نسبت به خدای متعال و اخلاق و رفتار قربی شکل گرفته است.

روش تحقیق:

این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های اسنادی و کمک گرفتن از کتب و مقالات این حوزه و نیز تحلیل متون کتب و اسناد انجام شده است.

تحقیق حاضر مبتنی بر می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر عمدتاً اسنادی و کتابخانه‌ای و با تکیه اصلی بر کتاب سفینه البحار است و در پردازش اطلاعات، مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل بررسی و تحقیق کتاب‌ها، مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته و اسناد موجود در زمینه های مشابه با موضوع مورد تحقیق و بررسی‌های بانک‌های اطلاعاتی و اینترنتی و به ویژه مطالعه بحارالانوار علامه مجلسی و سفینه البحار شیخ عباسی قمی و دیگر منابع مرتبط با آن‌ها می‌باشد.

مبانی نظری:

تبیین نسبت سیره پژوهی و تمدن سازی می‌تواند مقدمه ای ضروری در پژوهش حاضر تلقی شود؛ مفهوم «سیره» بیش از هر چیز بر حالت و چگونگی شیء یا فرد و حالت و چگونگی رفتار دلالت دارد (ابن منظور، ۱۴۰۷ق: ذیل ماده سیر و سنن)؛ سیره معصومان (ع) نیز بر مجموعه ای از قواعد کلی زندگانی معصومان (ع) دلالت دارد، چنان که شهید مطهری از آن به عنوان «منطق عملی» یاد کرده است (مطهری، ۱۳۶۸: ۴۲). نکته قابل توجه اینکه مورخان در حوزه تاریخ زندگانی معصومان (ع)، کمتر به روش و شیوه مستمر عملی ائمه (ع) توجه داشته‌اند؛ ازین رو، منابع سیره معصومان (ع) تنها ارائه دهنده توصیف و شرح رفتار آنان است (جعفریان، ۱۳۷۶: ۹۷). بنابراین برای «سیره» دو معنای مصطلح و رایج می‌توان در نظر گرفت: معنای نخست، روش مستمر عملی معصوم (ع) است و معنای دیگر، که در بین مورخان رواج دارد، توصیف و شرح

رفتار معصوم(ع) می باشد؛ می توان نتیجه گرفت که برای دستیابی به سیره معصومان(ع) و به کارگیری آن در عرصه های گوناگون حیات انسان، ضروری است تا منابع موجود از سوی «سیره پژوه» مورد نقد، تجزیه، تحلیل و تطبیق قرار گیرد.

اصطلاح «تمدن» در سده هجدهم پدیدار گشته و از آن پس با رویکردها و عبارت های گوناگون تعریف شده است: در یک تعریف، به مجموعه بزرگی از نظام های اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی و...) که از نظر جغرافیایی، واحد کلانی را در یک قلمرو پهناور دربر می گیرد و فرهنگی واحد بر تمامی اجزای آن سیطره دارد، «تمدن» اطلاق می شود(آشوری، ۱۳۸۱: ۱۳)؛ تمدن اسلامی نیز تمدنی دینی است که همه مؤلفه های آن بر محور اسلام باشد؛ همچنین «تمدن نوین اسلامی» تمدنی است که انسان در آن به لحاظ مادی و معنوی رشد کرده و به غایاتی که مورد نظر خداوند است دست می یابد (خامنه ای، ۱۳۸۳/۳/۲۳)؛ بدیهی است که برای تحقق چنین هدفی چاره ای جز مفهوم سازی نظری، الگوسازی کاربردی، ساختارسازی اجتماعی و نظام سازی فرهنگی و... وجود ندارد؛ که در پژوهش پیش رو از این فرایند با عنوان شکل گیری تمدن نوین اسلامی یاد می شود.

(سبک زندگی) الگویی برآمده از ارزش ها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه است که به صورت رفتارهای مشترک ظاهر می شود(مهدوی کنی، ۱۳۸۸: ۲۸)؛ به عبارت دیگر، به مجموعه رفتارهایی که افراد یا گروهی بر می گزینند و آن رفتار می تواند تجلی، نگرش ها، گرایش ها و وجه تمایز آنان از دیگران باشد، «سبک زندگی» می گویند(هیشور، ۱۴۱۷: ۱۱۵)؛ بنابراین، هرچند این اصطلاح ناظر به عینیت های زندگی است، نه علم به عینیت های زندگی و زیربنای نظری آن، باین حال با سخن گفتن از «سبک زندگی اسلامی»، به مبانی نظری و معرفتی آموزه های دین اسلام توجه می شود(کاویانی، ۱۳۹۳: ۸۷).

با سخنان پیش گفته می توان دریافت که سیره پژوهی به دلیل قابلیت اثرگذاری در بخش های گوناگون تمدن، از جمله سبک زندگی، می تواند بخشی از فرایند تمدن سازی تلقی شود؛ باتوجه به این نوشته حاضر می کوشد تا کارآمدی نظریه سیره را در فرایند بررسی کتاب سفینه البحار بیان نماید.

در مجموع سیره معصومان(ع) بخصوص از منابع مرجع مانند سفینه البحار از سه جهت می تواند منبعی مناسب برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی باشد: نخست آنکه سیره ائمه(ع) از پشتوانه معرفتی جامعی برخوردار است؛ همچنین شخصیت معنوی و اخلاق محور در کنار شخصیت عقلانی و علم محور، می تواند منبعی متعالی برای تحقق آرمان های مورد نظر اسلام به شمار آید؛ دوم آنکه بهره برداری از سیره معصومان(ع) برای انسان، به عنوان عامل تمدن ساز، روش الگوگیری است که از سوی قرآن کریم، روایات و کارشناسان تربیتی، برترین و موثرترین شیوه تحول اجتماعی دانسته شده است؛ سوم آنکه بهره گیری از سیره آن است که ضمانت اجرایی لازم در سیره معصومان(ع) وجود دارد؛ البته بخشی از این ویژگی به شخصیت معصومان(ع) برمی گردد؛ خطاناپذیری معصومان(ع)، تحقق اهداف موردنظر تمدن نوین اسلامی و شخصیت جهان شمول و وحدت بخش آنان، تحقق تمدنی جهانی را تضمین می کند؛ بخش مهمی از تضمین لازم معطوف به منابع سیره معصومان(ع) است که بیشتر در منابع تاریخ نگاری روایی جای می گیرد.

سیره معصومان(ع) به رغم مشکلات درونی منابع و مشکلات تطبیق آن با وضعیت امروز، به دلیل قابلیت بررسی و فهم آن در فقه و پویایی سیره، می تواند در پایه ریزی بنیان ها و مولفه های تمدن نوین اسلامی قابل بهره برداری باشد.

مولفه های تمدن اسلامی در عرصه مسایل فرهنگی

از آنجا که غالب روایاتی که از معصومین(ع) در موضوعات گوناگون صادر شده است، هرکدام بخشی از مفهوم فرهنگ اسلام را در خود جای می دهد و هرکدام از آن بیانات نورانی در حقیقت مبین هویت فرهنگ اسلام است. اما از این جهت که بحث ما در خصوص مفهوم و ماهیت فرهنگ در روایات است، به دنبال واژه هایی هستیم که معرف مفهوم فرهنگ در روایات باشد تا بتوان با مراجعه به مشتقات و امثال آن واژه به هست و نیست ها و باید و نبایدهای فرهنگی برداشت شده از متون دین دسترسی پیدا کرد. از این رو در برخی روایات همانند آیات قرآن کریم، برای تبیین یک فرهنگ صحیح و حسنه، از واژه «سنت» استفاده شده است. همانند این روایت از رسول خدا(ص)، که در مورد ایجاد فرهنگ صحیح در میان یک جامعه می فرماید:

" مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ " (کلینی، ۱۴۰۷). هر کس سنت نیکویی را بنا نهد، اجری برابر اجر همه ی عمل کنندگان به آن عمل تا روز قیامت برای اوست، بدون اینکه از اجر آنان کم گردد .

نظیر همین واژه در تبیین مفهوم فرهنگ در بیان حضرت علی(ع) نیز آمده است، آنجا که آن وجود مبارک در مورد به وجود آوردن فرهنگ ظلم و جور می فرماید:

" ظَلَمَ النَّاسَ مَنْ سَنَّ السُّنَنَ الْجَوْرَ وَمَا سَنَّ الْعَدْلَ " ، شهادت می دهیم که تو در راه خدا آنچنان که باید جهاد کردی و به کتابش عمل نمودی و روشهای پیامبرش(ص) را پیروی کردی(سفینه البحار، ج: ۶: ۳۱۱).

و در روایتی از امام باقر(ع) خطاب به جابر آمده است :

" يَا جَابِرُ لَوْ كُنَّا نُفْتِي النَّاسَ بِرَأْيِنَا وَهَوَانَا لَكُنَّا مِنَ الْهَالِكِينَ وَ لَكِنَّا نُفْتِيهِمْ بِآثَارِ مَنْ رَسُولِ اللَّهِ " (سفینه البحار، ج ۱، ۶۹)، اگر ما بر آسانی نظر و هوی و هوس خود فتوی می دادیم، بی تردید نابود می شدیم، لکن ما برای مردم، بر اساس آثار و اخبار رسول خدا(ص) فتوی می دهیم . در این روایت امام باقر(ع) به صراحت تأکید می کنند که ائمه(ع) بر اساس سنت رسول گرامی اسلام(ص) به تبیین معارف و دستورات دین اسلام می پردازند .

حال با توجه به آیات و روایاتی که در تبیین مفهوم فرهنگ مرور شد، می توان گفت: واژه «سنت» می تواند معادلی برای واژه «فرهنگ» در لسان آیات و روایات باشد؛ زیرا سنت هایی که از پیامبر خاتم(ص) و اهل بیت مطهرش(ع) به دست ما رسیده است، در حقیقت مبین فرهنگ دین اسلام می باشند . شایان توجه است که مفهوم فرهنگ منحصر در واژه سنت نیست؛ بلکه ممکن است در لسان آیات و روایات واژگان دیگری نیز یافت شود که تبیین کننده مفهوم فرهنگ باشد. بررسی آموزه های اسلامی و دسته بندی آنها به حوزه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نشان میدهد که توجه آموزه ها به بعد فرهنگی به صورت خاص تری می باشد. بعد فرهنگی را اهل علم و ادب شکل میدهند اهل بیت نیز راه شکوفایی تمدن اسلامی در بعد فرهنگی را تولید اندیشه و فکر می دانند.

حضرت علی(ع) به فرزندشان امام حسن (ع) میفرماید: هیچ عبادتی همانند تفکر و مطالعه در مصنوعات الهی نیست (بحارالانوار، ج ۱، ۸۸). تولید دانش یا جنبش نرم افزاری، یک اصل بنیادی در شکوفایی تمدن اسلامی است، خداوند متعال در آیه ۱۲۲ سوره توبه میفرماید: " وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ"، و (هنگامی که رسول فرمان خروج برای جنگ دهد) نباید مؤمنان همگی بیرون روند (و رسول را تنها گذارند) پس چرا از هر طایفه‌ای جمعی برای جنگ و گروهی نزد رسول برای آموختن علم دین مهیا نباشند تا قوم خود را چون به نزدشان بازگشتند بیم رسانند، باشد که (از نافرمانی خدا) حذر کنند.

و پرسش علمی، کلید فهم است که در آموزه‌ها و روایات اهل بیت بسیار به آن سفارش شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: "ان هذا العلم عليه قفل ومفتاحه المسألة"، بر این دانش قفلی است که کلید آن، پرسش است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۳).

در این مبحث به تعدادی از نمودهای اصلی و مهم مولفه فرهنگ در ارتباط با سفینه البحار اشاره کرده و به بررسی آنها می‌پردازیم که شامل:

۱. توحید، ۲. علم، ۳. خدمت به خلق، ۴. کارکردن و تلاش برای معاش، ۵. کارکردهای فرهنگی مسجد می‌گردند.

۱) توحید و تمدن اسلامی

توحید صرفاً امر ذهنی و باور عقلی محض نیست، بلکه یک باور عمیقی هست. در واقع فرد در جامعه اسلامی به تحول خواهی می‌رسد، براساس نگرش توحیدی یک سیستم اجتماعی شکل می‌گیرد. سیستم اجتماعی جامعه توحیدی با جامعه غیرتوحیدی فرق می‌کند. توحید می‌تواند در نظام سیاسی و بین‌المللی بنای تمدن را شکل دهد. بنیان فرهنگ تاثیر گرفته از توحید است. در واقع فرهنگ توحیدی است که می‌تواند تمدن اسلامی را شکل دهد. بر اساس روایات و احادیث و نظرات مفسرین اسلامی تمدن نوین اسلامی بعد از تحقق جامعه اسلامی شکل می‌گیرد. معیار اسلامی شدن جامعه این است که فرهنگ توحیدی در جامعه اسلامی شکل گیرد. عناصری که در فرهنگ توحیدی وجود دارد بسیار گسترده است. هر زمانی که فرهنگ توحیدی در باورها، اخلاق و نظام حقوقی و عرصه هنر شکل گیرد آن جامعه به فرهنگ توحیدی رسیده است. فرهنگ توحیدی شعار وحدت فرهنگ اسلامی می‌شود و زمینه ساز تمدن سازی فرهنگ نوین اسلامی خواهد بود. عناصر دیگر پیشرفت همه جانبه در علم و دانش، کارکردن و خدمت به خلق خدا، اخلاق، رشد سیاسی، رفاه عمومی، وحدت و مسئولیت پذیری و غیره می‌باشند. اما تمام در کنار هم تحقق پیدا می‌کنند و به شرطی که بنیان تمامی عناصر توحید باشد.

توحید، بنیادی‌ترین اصل اعتقادی در اسلام، به معنای یکتا و بی‌مانند دانستن خداوند، و همچنین بی‌شریک بودن او در خلق جهان. نخستین جملات حضرت محمد(ص) در آغاز دعوت مردم به اسلام، حاوی شهادت بر یکتایی خدا و دوری از شرک بوده است. توحید همچنین در قرآن کریم و روایات معصومین، مورد توجه قرار گرفته و سوره توحید در همین موضوع است. توحید در فرهنگ اسلامی در برابر شرک دانسته شده و متکلمان مسلمان، مراتبی برای آن برشمرده‌اند؛ این مراتب عبارتند از: توحید ذاتی به معنای اعتقاد به یگانگی ذات خدا،

توحید صفاتی به معنای یکی بودن ذات الهی با صفات او، توحید افعالی به معنای آنکه خداوند نیازی به کمک و یاور ندارد، و نیز توحید عبادی به معنای آنکه جز خداوند کسی سزاوار پرستش نیست، چهار مرتبه در باور به توحید است که اولین مرتبه آن توحید ذاتی و بالاترین مرتبه، توحید افعالی است. براهین و استدلال‌های متفاوتی برای اثبات توحید، در آیات قرآن کریم، احادیث معصومان و همچنین آثار فیلسوفان و متکلمان مسلمان وجود دارد. برهان تمنع، برهان بعثت انبیاء و برهان تعین، نمونه‌هایی از این دلایل هستند (شیخ صدوق، ۱۳۸۸). امام رضا علیه السلام در پایان حدیث سلسله الذهب به واسطه علی (ع) از پیامبر اسلام (ص) نقل می‌کند که جبرئیل امین از خداوند متعال نقل کرده است: «من خداوند یگانه‌ام. بندگان! مرا بپرستید بدانید که هر کس مخلصانه لا اله الا الله گوید و نزد من آید، به دژ من درآمده است و هر کس به دژ من درآید، از کیفرم در امان است. از امام رضا علیه السلام پرسیدند: ای فرزند رسول خدا، مراد از اخلاص چیست؟ فرمود: اطاعت از خدا و پیامبرش و سر نهادن به ولایت اهل بیت (ع) (سفینه البحار، ج ۲، ۱۱۴).

در سایه نگاه توحیدی و پرستش خدای یگانه، نه تنها یک ملت، بلکه همه موحدان می‌توانند در برابر مشرکان، صف واحدی باشند. بر این اساس، خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که سایر ادیان را ندا دهد تا بر محور توحید عبادی اجتماع کنند و در برابر مشرکان، متحد و یک دست باشند: "قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم ألا نعبد إلا الله و لا نشکر به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً أرباباً من دون الله"، بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که به جز خدای یکتا را نپرستیم، و چیزی را با او شریک قرار ندهیم، و برخی برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر از حق روی گردانند بگویید: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم. (آل عمران: ۶۴)

همچنین حضرت امام صادق (ع) در حدیثی خداوند را مبراً از ویژگیهای مخلوق معرفی نموده اند: "التوحید الْقَامِي عَنْ مُحَمَّدِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنَّ مَنْ شَبَّهَ اللَّهَ بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَمَنْ أَنْكَرَ قُدْرَتَهُ فَهُوَ كَافِرٌ"، همانا هر کس خدا را به مخلوقی تشبیه کند او مشرک است و هر که قدرت خدا را انکار کند کافر است (سفینه البحار، ج ۷: ۴۹۸).

۲) علم و تمدن اسلامی

علم و دانش از دیگر اموری است که در فضای نرم افزاری تمدن اسلامی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. با توجه به آموزه‌ها و روایت‌ها نیازی به استدلال ندارد که بدانیم علم و دانش در اسلام از چه جایگاه رفیعی برخوردار است و به همین میزان چه سهمی باید برای آن در شکوفایی تمدن نوین اسلامی قائل شد. البته باید توجه داشت که علم و دانش در هر دو بعد مادی و معنوی تمدن اسلامی نقش آفرین است، در فرهنگ اهل بیت همه علوم هدف واحدی دارند و آن شناخت خداوند متعال است که امام صادق (ع) می‌فرماید تمام علم و دانایی که بر مردم لازم است بدانند در چهار چیز یافتیم اولین که پروردگارت را بشناسی، دوم این که بشناسی چه چیز در ساختمان وجود و هستی تو به کار برده، سوم اینکه بشناسی چه چیز از تو خواسته است و چهارم اینکه بشناسی چه چیز تو را از دین و آیین بیرون می‌برد (کلینی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۹۵).

بنابراین علم به طور کلی ناظر به هدف آیت و کاربرد است و غایت‌های آن دارای مراتب است یعنی هر چند هدف اولیه از علوم تجربی شناخت و بهره‌برداری از جهان طبیعت است اما هدف نهایی و اصلی شناخت حق

تعالی و پرستش و تقرب است که هدف اولیه نیز در پرتو آن دارای معنا می شود البته باید توجه داشت که علم و دانش در هر دو بعد مادی و معنوی در شکوفایی تمدن اسلامی نقش آفرین هستند. ابتکار و تولید شرط مهم تمدن سازی است. روشن است که بدون قرار گرفتن علم و عالمان در جایگاه شایسته، توسعه و پیشرفت نخواهد بود. اسلام به عنوان خاتم ادیان الهی به بهترین نحو این مقدمه را فراهم کرده است. جایگاه والای علم و عالمان در اسلام، کاملاً روشن است (شهید ثانی، ۱۳۷۲: ۱۸). در حالی که اعراب جاهلی در جنگ‌ها به چیزی جز قتل، غارت و انتقام نمی‌اندیشیدند، پیامبر (ص) فدیه برخی اسیران را که خواندن و نوشتن می‌دانستند، تعلیم اطفال مسلمانان قرار داد. حضرت برخی از اصحاب خود را به تعلیم زبان‌های غیرعربی از قبیل سریانی و عبری و فارسی تشویق کرد. عرب جاهلی که برای علم بهای ناچیزی قایل بود یکباره با کتاب آسمانی مواجه شد که به قلم و نوشتن سوگند یاد کرده بود (سوره قلم) و وحی آسمانی‌اش با «قرائت» و «تعلیم» آغاز می‌شد (سوره علق).

سخنان را خوب بشنوید و بهترین آنها را انتخاب کنید. با این آموزه‌ها استعدادها شکفته شد، مسلمانان به علم و فرهنگ رغبت پیدا کردند و به دنبال دانستن، هم فکر کردند و هم افکار سایر جوامع را ترجمه، نقد، پالایش و تکمیل کردند. بدین سان، اسلام فرهنگ تساهل در علم‌آموزی را میان مسلمانان ترویج کرد. آنها دیگر اهمیت نمی‌دادند که حکمت، علوم، فنون و صنایع و هنرها را از دست چه کسی یا کسانی می‌گیرند و به وسیله چه کسی ترجمه می‌شود. آنها تعصب‌ها را کنار گذاشتند و برای درک حقیقت و پیشبرد تمدن اسلامی سخت‌ترین زحمات را متحمل شدند. با این فرهنگ‌سازی، مسلمانان در مدت یک قرن و اندی مطالب و علمی به زبان عربی ترجمه کردند که رومیان در مدت چندین قرن از انجام آن عاجز بودند. آری، مسلمانان در ایجاد تمدن شگفت‌آور خود در غالب موارد به همین سرعت پیش رفته‌اند (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۸۶).

مسلمانان حتی در فتوحات نیز با مغلوبان متکبرانه برخورد نمی‌کردند و از یافته‌های آنان بهره می‌گرفتند. با این روحیه بود که در همان قرون اولیه جوامع اسلامی به کانون تجمع اندیشمندان و نظریه‌پردازان علوم مختلف انسانی و طبیعی بدل گشت و اندیشمندان زیادی از جوامع مختلف گرد آمدند و یافته‌های خود را به مسلمانان عرضه کردند. مسلمانان نیز بدون آنکه مقهور آنان شوند، آنچه را که سازگار با فرهنگ اسلامی بود، پذیرفته و بسط دادند. بدین سان، اسلام مناسب‌ترین زمینه را برای اکتشافات علمی فراهم ساخت (گوستاولوبون، ۱۳۶۳: ۱۴۳).

سخنان افرادی همچون میرزا ملکم خان و کسروی که ادعا کرده‌اند مسلمانان در ممالک تحت تصرف خود جنایت‌ها کردند و کتاب‌سوزی‌ها راه انداختند، ناشی از عناد بود که با اسلام داشتند. بطلان این ادعا به خوبی توسط برخی نویسندگان ثابت شده است (اله‌امی، ۱۳۲۱: ۲۷۳-۲۸۰).

از دیگر علل پیشرفت مسلمانان در قرون اولیه این است که آنچه این مایه ترقیات علمی و پیشرفت‌های مادی را برای مسلمین میسر ساخت، در حقیقت همان اسلام بود که با تشویق مسلمین به علم و ترویج نشاط حیاتی، روح معاضدت و تسامح را جانشین تعصبات دنیای باستانی کرد، و در مقابل رهبانیت کلیسا که ترک و انزوا را توصیه می‌کرد، با توصیه مسلمین به «راه وسط» توسعه و تکامل صنعت و علم انسانی را تسهیل کرد. در دنیایی که اسلام به آن وارد شد، این روح تساهل و اعتدال در حال زوال بود... در چنین دنیایی که اسیر تعصبات دینی و

قومی بود، اسلام نفعه تازه ای دمید... در مقابل تعصبات دینی نصارا و مجوس، تساهل و تعاهد با اهل کتاب را توصیه کرد و علاقه به علم و حیات را و ثمره این درخت شگرف، که نه شرقی بود و نه غربی، بعد از بسط فتوحات حاصل شد (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۲۲ به نقل از وحیدی منش، ۱۳۸۶: ۴۱-۵۹).

در جلد ششم سفینه البحار درباره سفارش به تحصیل و گسترش علم به عنوان فرهنگ اسلامی منابع و مطالب مختلفی آورده شده است (باب العلوم التي أمر الناس بتحصيلها)، و در ابتدای این باب امام صادق (ع) به نقل از پیامبر (ص) می فرماید: "أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ وَ أَكْثَرَ النَّاسِ قِيَمَهُ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا وَ أَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَهُ أَقَلَّهُمْ عِلْمًا وَ أَوْلَى النَّاسِ بِالْحَقِّ أَعْلَمُهُمْ بِهِ وَ أَحْكَمُ النَّاسِ مَنْ فَرَّ مِنْ جُهَالِ النَّاسِ."، داناترین مردم کسی است که دانش مردم را با دانش خود جمع کند، و پر قیمت ترین مردم دانشمند ترین آنهاست، و کم قیمت ترین مردم کم دانش ترین آنهاست، و سزاوارترین مردم به حق داناترین آنها به آنست، و حاکم ترین مردم کسی است که از مردم جاهل فرار کند (سفینه البحار، ج ۶: ۳۴۳).

از آنجا که یکی از راهکارهای ارتقای عزت و اقتدار امت اسلام بالابردن توان علمی امت اسلام است. در قرآن کریم نیز علم و قدرت توأم است خداوند متعال در سوره نمل، آیه ۳۹ می فرماید:

" قَالَ عِفْرِيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ ۗ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ "

(از آن میان) عفریتی از جن گفت: من پیش از آنکه تو از جایگاه (قضاوت) خود برخیزی آن را به حضورت آورم و من بر آوردن تخت او قادر و امینم.

داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا درباره عمل خارق العاده عفریتی از جنان حضرت سلیمان است. در اینجا که بحث قدرت مطرح است خداوند متعال از علم یاد می کنند. در آیه بعد همین سوره نیز خداوند متعال به عمل خارق العاده مربوط به مومن آل سلیمان اشاره می کند که یک علم از کتاب الهی دارد و به دلالت تضمینی قدرت در کنار علم است.

بنابراین زمانی تمدن اسلامی شکوفا می شود و به اعتلا می رسد که پیکره تمدن و مسئولیت های مهم با انسانهای فرهیخته و تربیت شده بر اساس روح تمدن اسلامی باشد. دو مفهوم در مورد انسان مسلمان قابل توجه است یکی جنبه عبد بودن انسان است و دیگر جنبه خلیفه الهی بودن انسان. در نگرش اسلامی این دو وجه با همفکری یا طبیعت بنیادین انسان را می سازد انسان در مقام عبد خداوند مطیع خواست و مشیت او باید باشد و در مقام خلافت خداوند بر روی زمین باید فعال باشد. خداوند متعال در آیه ۳۲ سوره بقره انسان را خلیفه الهی معرفی کرده است. " قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ "، گفتند: منزهی تو، ما نمی دانیم جز آنچه تو خود به ما تعلیم فرمودی، که تویی دانا و حکیم.

توجه به این نکته ضروری است که درک خلیفه الهی انسان و هرچیز دیگر نیازمند تمدن به معنای واقعی است و هر تمدنی به ظرفهای زمان و مکان نیازمند است. بزرگی و عظمت انسان از آن رو است که به او محبتی شد که به دیگر جانداران نشده است و اساس و پایه ولایت و خلافت و مقدمات وصول به اعتقاد توحیدی و درجه های بلند در تمدن بشری نهاده شده که بشر بایستی با درک و گسترش علم بدانها نائل شود.

حضرت علی (ع) این می فرماید: فضیلت درک و فهم مطالب علمی به مراتب نافع تر از فضیلت تکرار و خواندن و فراگرفتن آن است و کسی که در آموخته های خود بسیار بیاندیشد دانش خود را استوار ساخته و به

فهم مطالبی که نمیفهمد نائل می‌گردد (غررالحکم، ۵۱۷؛ امام صادق (ع) می‌فرمایند: از دیدگاه اهل بیت علم آموزی واجب است هرچند که علم آموزی از کفار باشد (کلینی، ج ۱۴۰، ۱۳۸۸) وجود این نوع از تفکر در فرهنگ اهل بیت سبب شده است تا مسلمانان در مواجهه با دانش و فرهنگ سایر ملل با آزاد اندیشی و عدم تعصب برخورد کنند و از معارف بشری سود جویند. امام علی این می‌فرماید: سزاوار است انسان عاقل و خردمند آن را برای خود بیفزاید و دانش علما را بر دانش خویش اضافه کند (سفینه البحار، ج ۶، باب العلم). برخورداری از روحیه تساهل و تسامح علمی مسلمانان را قادر کرد تا بدون تنگ‌نظری و با وسعت نظر علوم و دانش‌های دیگران نظر کنند و وجود این روحیه در میان مسلمانان باب گفتگو، مباحثه، مجادلات و مناظرات علمی و تبادل افکار و آرا را در جوامع اسلامی گشود و محفل‌هایی از دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان تشکیل شدند. این تولید دانش هر دو دانش دینی و مادی را شامل می‌شود، زیرا وقتی در فرهنگ اهل بیت عین علم آموزی از کفار هم واجب است نشان می‌دهد مراد علم غیر دینی است و علم دین را نمی‌توان از کفار آموخت. اندیشمندان مسلمان نباید از فراگیری علوم روز و تمدن جدید غرب دوری گزینند بلکه باید از دستاوردهای تمدن جدید بهره برد و آن را شکل اسلامی بدهد. همچنین از آن جهت که تولید فکر و اندیشه به شکوفایی تمدن اسلامی کمک می‌کند در تمدن اسلامی علما و فضلا از احترام ویژه‌ای برخوردار هستند. در نگاه امام باقر عین مقام عالمی که جهان از علم و سود برد از مقام هفتاد هزار عابد برتر است (کلینی، ج ۱۳۳، ۱۳۸۸). و البته تمام علوم دینی و مادی لازم برای بشر باید بر پایه اخلاق که روح تمدن اسلامی است استوار باشد. تکریم دانش و دانشمندان و نظریه پردازان و تحقق فضای روشن و شوق انگیز خلاقیت شهرت شکوفایی تمدن اسلامی است و البته بهره‌گیری از تجربه دیگران حتی آنانی که از جهت اعتقادی مورد پذیرش مسلمانان نیستند حکمت درخشنده‌ای است که نقش و ارج دانش را نشان می‌دهد.

۳) خدمت به خلق

از مهمترین جلوه‌های فرهنگ اسلامی خدمت به دیگران می‌باشد. در واقع هر چقدر انسانی در علم و دانش شکوفاتر شود باید این علم را در راه اجتماع و دیگر افراد استفاده کند. در سفینه البحار جلد هشتم بر اساس مجلدهای ۷۳ و ۷۴ بحار الانوار به این مساله پرداخته است. از جمله امام صادق (ع) فرموده است: سئل رسول الله صلی الله علیه و آله عن احب الناس الی الله؟ قال: انفع الناس للناس؛ از رسول خدا سؤال شد، محبوب‌ترین مردم در پیشگاه خدا کیست؟ پیامبر فرمود: کسی که بیشترین سود و خدمت را به مردم برساند (سفینه البحار، ج ۸: ۳۰۲). همچنین در روایات درباره اهمیت کارگشایی و برطرف کردن مشکلات مردم سخن بسیاری بیان شده و آموزه‌های دستوری و ترغیبی بسیاری نیز مطرح شده است. در اهمیت کارگشایی و خدمت به دیگران همین بس که پیامبرگرامی اسلام (ص) آن را معیار و ملاک مسلمانی دانسته و فرموده است: من اصبح لایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم؛ کسی که صبح کند و به مسائل مسلمانان همت نگمارد، مسلمان نیست (سفینه البحار، ج ۸: ۷۱۱). البته خدمت به دیگران همانند بسیار امور دیگر دارای درجات و مراتب و نیز اهم و مهم است. کمک به برخی، هم ارزش بیشتری دارد و هم با اهمیت تر و ثواب و آثار آن نیز بیشتر است. به عنوان نمونه کارگشایی نیازمندان

شیعه ارزشی بیشتر دارد؛ چنانکه امام کاظم(ع) فرموده است: من لم يستطع ان يصلنا فليصل فقراء شيعتنا؛ کسی که قدرت ندارد به ما صلّه نماید به شیعیان نیازمند ما رسیدگی کند (سفینه البحار، ج ۲: ۴۸۳).

همچنین در روایت است: بعضی از اصحاب امام باقر(ع) به ایشان عرض کردند: شیعه در جامعه ما زیاد است. امام فرمود: آیا بی نیاز نسبت به نیازمند عطوفت و مهربانی می کند و آیا نیکوکار از خطاکار می گذرد و در مسائل مالی به همدیگر کمک می کنند. گفتیم: خیر. فرمود: پس اینها شیعه نیستند چون شیعه کسی است که این طور عمل کند. (سفینه البحار، ج ۷: ۳۱۳).

شخص نیکوکار باید در کارهای خیر، هم سبقت بجوید و هم سرعت داشته باشد. (بقره، آیه ۱۴۸؛ مائده، آیه ۴۸) زیرا اگر این گونه عمل نکنیم گاه ممکن است دیگران کار ما را انجام داده و از ثواب عمل خیر محروم شویم و یا آنکه حاجت شخص برطرف شود و دیگر نیازی به کمک ما و کارگشایی ما نباشد و از خدمت به خلق محروم شویم. احمدبن عیسی می گوید: امام صادق(ع) به من فرمود: نیازمندی که به من مراجعه می کند من زود نیاز او را برطرف می کنم از ترس اینکه او بی نیاز شود و این کار نیک از دستم برود. (سفینه البحار، ج ۷: ۳۷)

در اهمیت و ارزش کارگشایی و خدمت به خلق همین بس که خودداری از کارگشایی به عنوان خیانت به خدا و پیامبر(ص) دانسته شده است. امام صادق(ع) فرمود: هرکس بتواند مستقیم و یا با واسطه، نیاز مومنی را برآورد اما از انجام آن خودداری کند خداوند عز و جل او را در قیامت با چشمانی کبود و دست های بسته بر گردن برپا نگهدارد و اعلام شود: این همان خائنی است که به خدا و پیغمبر خیانت کرده است. سپس فرمان رسد که او را به سوی آتش جهنم برند. (سفینه البحار، ج ۸: ۱۱۶)

پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز فرمود: کسی که ضمانت کند «قول بدهد» نیاز برادر دینی خود را برطرف کند، تا وقتی که این کار را نکرده خداوند عز و جل به نیازهای او توجه نمی کند. (سفینه البحار، ج ۲: ۷۱).

۴) کارکردن در فرهنگ و تمدن اسلامی

آفرینش انسان طوری می باشد که تلاش و کوشش و کار کردن برای کسب روزی، ارتباط با دیگران، رشد تعاملات اجتماعی و پیشرفت جامعه در وجود آن نهفته است و انسان در حال رشد و سالم مدام در حرکت و تکاپو می باشد. پیامبر خدا (ص) می فرماید: "الْكَاذُ عَلَىٰ عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ"، تلاشگر برای امرار معاش خانواده همانند جهادکننده در راه خداست (سفینه البحار، ج ۷: ۴۷۵).

در دیدگاه اسلام، عامل کار از آن جهت که انسان انجام دهنده و عرضه کننده آن است و طبعاً انسان دارای شرایط جسمی و روحی می باشد و به خود، خانواده و کل جامعه ربط دارد، کار اهمیت ویژه ای پیدا می کند. "كان رسول الله(ص) اذا نظر الى الرجل ما عجبه مال: هل له حرفه؟ فان قالو: لا، قال: سقط من عيني. قيل: و كيف... " همچنین سیره رسول الله این بود که هرگاه به مردی نگاه می کرد و از لحاظ جسمی نظر او را جلب می نمود، سؤال می فرمود: آیا شغل و حرفه ای داری؟ اگر در پاسخ می گفتن شغلی ندارد، می فرمود: از چشمم افتادی. به آن حضرت عرض می شد چگونه شخصیت او در نظر شما تنزل کرد؟ می فرمود: آنگاه که مؤمنی دارای شغل و حرفه ای نباشد، برای تأمین مخارج زندگی خود، دینش را می فروشد (سفینه البحار، ج ۲: ۳۱۸).

به همین منظور بعد از تعریف کار به طور کلی و به طور خاص در اسلام با نگاهی به سفینه البحار نیز میتوان نمودهای اهمیت این فعل را دریافت. از امام صادق (ع) که پیامبر فرمود: "من بات کالاً من طلب الحلال بات مغفوراً"، هرکس شب را با خستگی از تلاش در بدست آوردن روزی حلال بسر آورد با آمرزش گناهان خود شب را به پایان رسانده است (سفینه البحار، ج ۲: ۳۱۸).

در اسلام هدف از خلقت انسان عبادت است، اما عبادت نباید جای کار بنشیند و انسان باید در زمان کار، به کار مشغول شود و در زمان عبادت باید دست از کار بکشد و به عبادت بپردازد (شاقوزائی، ۱۳۹۸: ۲۰). و باید به هر دوی کار و عبادت در وقت خود رسید. کار عبادت می باشد و پیامبر اسلام در این زمینه می فرماید: "الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءً أَفْضَلُهَا جُزْءٌ طَلَبُ الْحَلَالِ"، عبادت هفت جزء دارد که با فضیلت ترین و ارزشمندترین جزء آن کسب درآمد حلال است (سفینه البحار، ج ۱: ۴۴۹).

بطور کلی روش و اصولی که اسلام برای کار در نظر گرفته، آزاد بودن فرد در انتخاب آن است و جبر در قبول مسئولیت و کار نهی شده است و منشاء آن وجود استعدادها و سلیق متفاوت در افراد است که منجر به خلاقیت و ابتکار در عمل می شود. این روش پایه گذار تمدن بزرگ اسلامی در اقصی نقاط جهان بوده است زیرا برای تمام تلاشهای انسان، یک جهت کلی تعیین نموده است و آن اینکه انجام آنها، اگرچه مربوط به زندگی مادی و دنیوی انسان ها باشد، لازم است در مسیر الهی باشد تا از پاداش اخروی نیز برخوردار گردد. بنابراین در یک نظام اجتماعی که بر اساس آموزه های اسلام بنا نهاده شده است، اهداف نهایی فعالیت ها باید الهی باشد. اگر فعالیتی بر این اساس صورت گیرد، دیگر رفاه و آسایش فردی به تنهایی موردنظر قرار نمی گیرد، بلکه آسایش و رفاه دیگران نیز در پی دارد و این غایت تمامی تمدنهای اصیل بشری نیز بوده است. در این مبحث با تکیه بر آیات و روایات بخصوص از کتاب سفینه البحار به این نکته دست یافته شد که در واقع مولفه کار در تمدن اسلامی به عنوان یک فرهنگ کامل قابل توجه می باشد. فرهنگ و تمدن اسلام برای کار ارزش والایی قائل است ولی کمتر به آن پرداخته شده و لذا در جوامع به عنوان یک الگوی اصیل کمتر جلوه نموده است، هر قدر در جامعه ای فرهنگ اسلامی قوی تر باشد، در نتیجه جامعه و ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن متعالی تر می شود. دین اسلام سعی و تلاش را تنها سرمایه انسانی می داند و راهکار دستیابی به فضل و نعمات الهی را در حرکت و کار با ایمان و توکل بر خداوند می داند، این مکتب رهایی بخش، بیکاری، سستی و تنبلی و تن پروری را دشمنی با خدا دانسته و تلاش بعنوان یک فرهنگ عام تعریف می کند.

۵) استفاده از کارکردهای مسجد

امام صادق (ع) می فرماید: "ان فی التّوارة مکتوباً: انّ بیوتی فی الارض المساجد فطوبی لمن تطهر فی بیته ثمّ زارنی فی بیته و حقّ علی المزور ان ینکر الزائر"، در تورات نوشته شده است که خداوند می فرماید: مساجدها خانه های من در زمین هستند. خوشا به حال کسی که خود را در خانه اش تطهیر (وضوء) کند و بعد از آن مرا در خانه ام زیارت کند و حق زائر این است که میزبان او را محترم شمارد (سفینه البحار، ج ۱: ۴۲۷).

اگرچه مساجد معمولاً به عنوان مکان های مقدس و کانون های عبادت و انجام اعمال و مراسم مذهبی در نظر گرفته می شوند، اما از کارکردهای مهم آموزشی و فرهنگی آن در طول تاریخ نمی توان چشم پوشی نمود. کارکردهایی که امروزه نیز می بایست موردتوجه قرار گیرد. تا قبل از تشکیل مدارس به طور رسمی، مساجد

نقش تعیین کننده ای در پیشرفت علمی و آموزشی بالد اسلامی به عهده داشته اند چراکه محتوای علمی که در دوران ابتدایی ظهور اسلام نشر داده می شد در ارتباط با مسائل مذهبی و دینی و معارف مرتبط با قرآن بوده است (طوقانی، ۱۳۹۰: ۴۸).

رسول الله (ص): "إِنَّ اللَّهَ يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ تُصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَ يُكْتَبُ لَكَ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمْحَىٰ عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ"، تا زمانی که در مسجد به سر می بری خداوند به تعداد هر نفسی در آن یک درجه منزلت در بهشت برای تو بالا می برد و فرشتگان بر تو درود می فرستند و ده حسنه برایت ثبت و ده گناهت پاک می شود (سفینه البحار، ج ۴: ۷۴).

مسجد بزرگ ترین و مهم ترین پایگاه اسلام است. مسجد در شهرهای اسلامی، جایگاه محوری داشته و دارد و اصلی ترین مکان در تمدن اسلامی است. در صدر اسلام، تمامی اموری که در مسائل اجتماعی به جهان اسلام و مسلمین مربوط می شد، در مسجد صورت می گرفت. برخی از کارکردهای مهم مسجد در طول تاریخ را می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. کارکرد عبادی - معنوی، ۲. کارکرد اجتماعی - سیاسی و ۳. کارکرد تعلیمی و تربیتی (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۴: ۱۳۹). اقدام اساسی پیغمبر اسلام در مدینه، تأسیس مسجد به عنوان پایگاه اداره حکومت بود. می بایست مرکزی پدید می آمد تا افزون بر ایفای نقش معبد برای مسلمانان، مرکز رتق و فتق امور سیاسی، قضایی، آموزشی و حتی نظامی آنان باشد. مسجد در آغاز، هم مصلی، هم مدرسه، هم محکمه قضا و هم دارالحکومه، جای نگهداری بیت المال و غنایم جنگی و حتی مکان نگهداری زندانیان و اسرای جنگی بود. مسجد در واقع، همه نهادهای سیاسی و اجتماعی را در بر می گرفت، از این رو نقش به سزایی در تثبیت و استقرار دولت مدینه داشت (ولایتی، ۱۳۸۸: ۴۳).

رسول خدا (ص) در این باره می فرماید: "كل جلوس في المسجد لغو الا ثلاثه: قرائه معمل او ذكر الله او سائل عن علم"، هرگونه نشستی در مسجد بیهوده است، مگر اینکه برای سه کار باشد: خواندن قرآن، خدا را یاد کردن، و یا دانش اندوختن (سفینه البحار، ج ۴: ۷۵).

و نیز از رسول الله (ص) نقل است: "الْمَسَاجِدُ سُوقٌ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ قَرَاهَا الْمَغْفِرَةُ وَ تُحَفَّتْهَا الْجَنَّةُ"، مساجد، بازاری از بازارهای آخرت است، پذیرایی آن مغفرت و هدیه آن بهشت است (سفینه البحار، ج ۷: ۱۳۶).

مرکز شکل گیری تمدن اسلامی مسجد است به عبارتی مسجد هم عبادتگاه است هم جایی برای حل مشکلات است و هم جایی برای آگاه سازی مردم. وقتی تمدنی بوی اسلامی به خود می گیرد که ریشه های آن از مسجد باشد.

امیر المومنین (ع) "أَرْبَعَةٌ مِنْ قُصُورِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَ مَسْجِدُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَسْجِدُ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ"، چهار بقعه در دنیا از قصرهای بهشتی است: مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) و مسجد الاقصی و مسجد کوفه. (سفینه البحار، ج ۴: ۸۵).

روایات اهل بیت (ع) معدن عظیمی از دانش و معرفت است که شناخت آن و دریافت ژرفای مبانی و اندیشه های ائمه (ع) می تواند نیروی بالقوه ای را که در این دریای عظیم معرفتی نهفته است، آشکار کند. منظور از نقش بالقوه روایات، نقشی است که روایات می توانند در شکوفایی تمدن نوین اسلامی داشته باشند، ولی هنوز به آن توجه نشده و این بی توجهی به سبب عدم شناخت ژرفای این معارف با رویکرد تمدنی است. رویکرد تمدنی به آموزه ها نشانگر این است که معارف اهل بیت (ع) این شایستگی را دارد که از حوزه اندیشه و تفکر عبور کرده و به مدل و الگو تبدیل شود. با وجود توجه صاحب نظران به حدیث و روایات، متأسفانه نقش تمدنی روایات مورد غفلت قرار گرفته و جای این موضوع در پژوهش های علمی خالی است. نگاه غیر تمدنی به روایات اهل بیت (ع) سبب شده تا فرهنگ غیر کاربردی خطاب های در میان مسلمانان نهادینه شود و نقش روایات در جامعه تنها نقل آنها در سخنرانی ها و خطابه ها باشد. اما نگاه تمدنی به روایات می تواند نقش روایات را از حوزه نقل و انتقال بالا برده و زمینه ساز شکوفایی تمدن نوین اسلامی شود.

تمدن نوین اسلامی محصول کاربرد و پیاده سازی محتوای روایات در عرصه زندگی است. ما باید با چه روشی سراغ روایات برویم تا نتیجه آن شکوفایی تمدن نوین اسلامی باشد؟ این مهم زمانی صورت می گیرد که محتوای روایات در تمام عرصه های زندگی فردی و اجتماعی پیاده شود. شکوفایی تمدن نوین اسلامی مستلزم شکوفایی نقش های بالقوه روایات است و این مهم محقق نمی شود، مگر اینکه اندیشمندان حدیث پژوه با رویکرد تمدنی در کنار رویکرد قدسی و میراثی به پژوهش های حدیثی روی آورده و برای هر یک از نظام های ارزشی، فکری و عینی با استفاده از معارف اهل بیت (ع) به استخراج نظام و مدل پردازند. باید محتوای آموزه های اهل بیت (ع) از مرحله نقل و انتقال به مرحله کاربردی برسد که کلیه نظام های فکری، ارزشی و عینی جامعه بر پایه آن بنا شود.

در باز آفرینی تمدن اسلامی بویژه نظام فرهنگی آن، می بایست بر اساس رهنمودهای اهل بیت (ع) باشد، و این امر در سایه حکومت اسلامی که اسلام را به جامعه برگرداند، محقق می شود. به فعلیت رساندن نقش بالقوه روایات اهل بیت (ع) به منظور شکوفا شدن تمدن نوین اسلامی، نظریه پردازان و مجریانی نخبه می طلبد. روایات با طرح و ارائه اصول و شیوه های عملی در چگونگی تدوین سبک زندگی نقشی غیر قابل انکار دارند. در روایات همه آنچه به زندگی انسان در بعد فردی و اجتماعی مربوط می شود مطرح شده است. از شیوه ذکر گفتن و عبادت کردن، نوع تربیت فرزند، روش های تعدیل درآمد، نوع برخورد با دوست و دشمن و روش های حفظ منافع داخلی و خارجی و ... همه در روایات بیان شده است، و به

یقین هدف اهل بیت (ع) از بیان این معارف چیزی فراتر از خطابه بوده است. بدیهی است تا زمانی که با این معارف برخورد خطابه ای شود، تمدن نوین اسلامی شکوفانخواهد شد. این آموزه ها سبک و روش زندگی را در همه اجزا و ارکانش برای انسان بیان می کند. اصلاح رفتار انسانها در ارتباط با طبیعت، بدون اصلاح اندیشه و اعتماد آنها، امری امکان ناپذیر است، برای پیشگیری از تخریب منابع طبیعی، عوامل و عناصر مختلفی باید لحاظ شود که آموزه های قرآنی و دینی در زمره مهمترین آنهاست واکنش متقابل انسان و محیط زیست، مناسبات اعتقادی و کاربردی را در بر دارد که زاینده جهان بینی اوست. احترام به منابع طبیعی و محیط زیست، نتیجهی آموزش تعالیم قرآنی و پیشوایان دین است و راه حل بحران محیط زیست در گرایش به قرآن است و قوانین بشری نمیتواند به صورت همه جانبه احترام انسان را به محیط زیست مجبور نماید. آموزه های قرآنی، یکی از شاخصترین عوامل در ایجاد روحیه تعاون در حفظ منابع طبیعی است. مبانی محیط زیست در موازنه با نظام هستی و در ارتباط با خالق این نظام جریان می یابد. در آموزه های قرآنی، انسان به جهت مقام خلافتش از جانب خداوند، فرمانروای اکولوژیک زمین و عامل اراده الهی است که میتواند با در پیش گرفتن راه درست یا نادرست، خود را متنعم یا معذب گرداند.

بر این اساس سوال اصلی پژوهش که مولفه های فرهنگی تمدن اسلامی بر اساس کتاب سفینه البحار کدام است؟ و چگونه قابل باز آفرینی می باشند؟

با توجه به آنچه مطرح شد، نقش بالقوه روایات در اولین و حساسترین ترین مرحله، در تربیت انسان الهی است، که این امر مستلزم این است که انسان ها در سایه حکومت اسلامی به اسلام اصیل برگردند و ارزشها در جامعه حاکم شود. انسان الهی در تمدن اسلامی، خود در حاکم نمودن توحید، معنویت، اخلاق و عدالت نقش دارد. ما می توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود.

- پیشنهادات

تمدن نوین اسلامی از قابلیت های بالایی برخوردار است اما ما چه کاری می توانیم انجام دهیم تا قابلیت های تمدن نوین اسلامی به شکل موثر عینیت بخشیده شود؟ آینده نگاری راهبردی راهی به سوی تمدن نوین اسلامی است.

تمدن نوین اسلامی از سه مولفه و رکن مهم ایجاد شده است: احیای تمدن اسلامی، تمدن سازی و تمدن پروری. این سه رکن در کنار هم تمدن نوین اسلامی را فراهم می آورند. ماهیت تمدن نوین اسلامی را باید در احیای تمدن اسلامی دیده شود. تمدن سازی و متدولوژی، ساخت تمدن است و این مساله را انقلاب اسلامی بوجود آورد. انقلاب اسلامی تمدن ساز بود. تمدن سازی به این معناست که تمدن بتواند به نیازهای مادی و معنوی مردم پاسخ مثبت بدهد تا در سایه آن زندگی مطلوب داشته باشد. مساله سوم تمدن پروری است که این

فرآیند بعد از انقلاب اسلامی باید شکل بگیرد. دو گام در راه تحقق تمدن نوین اسلامی برداشته شده اما چگونه می توان گام سوم را برداشت؟ پاسخ آن در آینده نگاری راهبردی است. انقلاب اسلامی برای تمدن سازی بزرگترین فرصت تاریخی را برای ما مهیا کرد. ما در مرحله تمدن پروری آینده نگاری راهبردی را باید مد نظر قرار دهیم.

یکی از وظایف آینده نگاری راهبردی شناسایی جهت گیری برای آینده است. در این رابطه باید هدف باثباتی داشته باشیم. آینده نگاری راهبردی مجموعه ای را در اختیار ما می گذارد که مسیر را در چارچوب عینی طی کند. تمدن نوین اسلامی در گام سوم نیازمند آینده نگاری راهبردی است.

برای تحقق تمدن نوین اسلامی باید قدرت ها و ضعف های مان را شناسایی کنیم زیرا در فرآیند تمدن پروری دارای نقش زیادی دارند. اگر مفهوم سیاست و راهبرد را وارد عرصه تمدن نوین اسلامی کنیم همه شامل آینده نگاری راهبردی می شود. از ویژگی های آینده پژوهی این است که ما را آماده می کند تا فرصت های آینده و تهدیدها را شناسایی کنیم.

نظام اندیشه ای که توانمندی خود را حفظ کرده است، اگر امکان داشته باشد که الگوی عینی و تحقق پذیر برای زیست جمعی ارائه دهد، آن نظام فکری قابلیت تمدن سازی دارد. دستگاه فکری تمدن ساز، دستگاهی است که در ساحت نظر و عمل قابلیت داشته باشد و در ساحت نظر به پرسش های مهم پاسخگو باشد و مبتنی بر دستگاه نظری دستگاه عملی هم عرضه کند و الگو برای زیست جمعی ارائه دهد. در چنین حالتی می تواند پیشرفت آفرین باشد و از آن طریق تمدن ساز باشد. دستگاه فکری اسلامی ثبات و دوام خود را حفظ کرده و امکان بازخوانی آن فراهم است. این دو ویژگی در تمدن های غربی هم وجود دارد.

امکان بازخوانی اندیشه دینی اسلامی وجود دارد و این اندیشه در مراجعات مکرر حرف های تازه ای داشته است و در عمل هم برای ما احراز شده است. این نظام فکری الگوی زیست ویژه هم برای ما ارائه می کند. بنابراین می تواند نظام فکری اسلامی در متن قرار بگیرد و حرف های تازه بزند. بنابراین بر اساس نظری در عالم ثبوت امکان تحقق تمدن نوین اسلامی وجود دارد.

منابع و ماخذ

قرآن کریم

- آشوری، داریوش، تعریف و مفهوم فرهنگ، تهران، آگه، ۱۳۸۱.
- الهامی، داود، ایران و اسلام، قم، کانون نشر جدید، بی تا، به نقل از: محمدعلی (مهرین) عباسپور، ایران نامه یا کارنامه ایرانیان در عصر اشکانیان، ۱۳۲۱.
- بیانات مقام معظم رهبری در سالروز عید مبعث، ۱۳۸۸.
- جعفری، محمد تقی، عدالت و کرامت انسانی نیروهای نگهدارنده تمدن ها هستند، نشریه جام، شماره ۲۷، ۱۳۷۲.
- جعفریان، رسول. منابع تاریخ اسلام، قم، انصاریان، ۱۳۷۶.
- جمعی از نویسندگان (نمایندگی ولی فقیه در سپاه)، ابعاد خدمت رسانی، انتشارات سپهر اندیشه، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۲.
- جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، اسراء، ۱۳۹۱.
- جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، ناشر: اسراء، ۱۳۹۸.
- حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ج ۱۱، ۱۴۰۹ ق.
- خامنه ای، سیدعلی، بیانات در خطبه های نماز عید فطر. ۱۳۸۱/۹/۱۵.
- زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
- سلیمی، عبدالحکیم، بیداری و احیای تمدن اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، ۱۳۹۱.
- شاقوزائی، امان اله، فرهنگ کار در اسلام، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، به نقل از مجله کار و جامعه، ۱۳۹۸.
- شهید ثانی، زین العابدین بن علی، منیه المرید فی ادب المفید و المستفید، قم، مکتب الاسلام، ۱۳۷۲.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، شرح لمعه، قم، ترجمه علی شیروانی، دارالعلم، ۱۳۷۸.
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، علل الشرائع. النجف: منشورات المکتبه الحیدریه، ج ۱، ۱۳۸۵ ق.
- صدوق، اسرار توحید، ترجمه محمدعلی اردکانی، تهران، نشر علمیه اسلامیة و شیخ صدوق، توحید، ترجمه علی اکبر میرزایی، قم، علویون، ۱۳۸۸ ش.
- طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸.
- قمی، عباس، الغایه القصوی فی ترجمه العروه الوثقی، قم، صبح پیروزی، ج ۱، ۱۴۲۳ ق.
- کاوینی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.

- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سیدهاشم حسینی تهران، کتابفروشی اسلامیه، بی تا.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴،
- مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار (ع .) تهران : صدرا، ۱۳۸۳.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: صدرا، ج ۲۴، ۱۳۹۰.
- هیشور، محمد، سنن القرآن فی قیام الحضاره و سقوطها، القاهره: المعهد العالمی للفکر السالمی، ۱۴۱۷ ق.
- واسعی، علیرضا، فلسفه تمدن نوین اسلامی، ماهیت و مبانی فصلنامه مشکوه، پیاپی ۱۲۸، پاییز ۱۳۹۴.
- ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، نشر مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸.